

مدیر شهری

شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۷-۲۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۶/۳۱

زمان دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۴/۱۴

تحلیل و بررسی پیامدهای «جهانی شدن» بر شهرها با تاکید بر «رژیم‌های شهری»

ابوالفضل مشکینی* - استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
فریاد پرهیز - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
حافظ مهدنژاد - پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
اکرم تفکری - کارشناس ارشد سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران، تهران، ایران.

Analyzing the Consequences of Globalization on Cities with Emphasis on Urban Regimes

Abstract: Globalization is undoubtedly the most striking difference between yesterday and today; it is closely related with the concepts of integration and homogenization of the world, the global village, global communication compression, or "excessive compaction of different meanings and concepts" according to John Short. Implications and consequences of this phenomenon have widely overshadowed political, economic, social and cultural aspects of global communities differently. Cities are like a reflection and portray for globalization in a way that the dynamics of contemporary cities implicate globalization. Cities in the Age of Globalization have rapidly changed their economies in order to adapt themselves to multinational companies, international media and foreign tourists. International trade centers, International festivals and immigrant communities are now parts of urban landscape. On the same basis, the present study attempts to analyze the consequences of globalization on cities, and consequently on urban regime changes, in a descriptive - analytic way. This research shows that the processes of globalization have lead to changes in cities and network of cities. This means that most funds and elites are concentrated in particular cities. Social polarization and digital dichotomy has increasingly risen. "Fear architected" is hanging upon the wealthy habitations and Kinsey city has been replaced by the entrepreneurship city. It means that the principles and procedures of urban policy have changed from the welfare policies towards economic competitiveness policies. The idea of cities as a place of collective life has peacefully changed to the idea of cities as places of competitive economic benefits.

Keywords: Globalization, Digital Dichotomy, Urban Regimes, Kinsey City, Entrepreneurship City.

چکیده

بدون شک، جهانی شدن بارزترین تفاوت بین جهان دیروز و امروز است، و با مفهوم یکپارچه سازی و همگن شدن جهان، دهکده جهانی و فشردگی ارتباطات جهانی یا به تعبیر جان شورت، «فشردگی بیش از حد معانی و مفاهیم مختلف» رابطه بسیار نزدیکی دارد. تبعات و پیامدهای گسترده این پدیده، ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع جهانی را تحت الشعاع قرار داده است. در این میان، شهرها تجسم بخش و انعکاس گر جهانی شدن هستند، به گونه ای که پویایی های شهری معاصر ترجمان فضایی جهانی شدن می باشند در عصر جهانی شدن، شهرها به سرعت اقتصادهای خود را به منظور سازگاری با شرکت های چند ملیتی، رسانه های بین المللی و گردشگران خارجی تغییر داده اند؛ و مراکز تجارت جهانی، فستیوال های بین المللی و اجتماعات مهاجر بر چشم اندازهای شهری حاکم شده اند. بر همین مبنا، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، مبادرت به تحلیل پیامدهای جهانی شدن بر روی شهرها و به تبع آن تغییر رژیم های شهری نموده است. نتایج پژوهش، نشان دهنده آن است که فرآیندهای جهانی شدن منجر به تغییراتی در شهرها و شبکه شهرها شده است. به این معنا که اکثریت سرمایه ها و نخبگان در شهرهای ویژه ای متمرکز شده اند؛ دوقطبی شدن اجتماعی و دوگانگی دیجیتالی به طور روز افزونی افزایش یافته است؛ «معماری ترس» بر سکونتگاه های ثروتمندان سایه افکنده است؛ و اینکه «شهرکینزی» جای خود را به «شهرکار آفرین» داده است. به دنبال پیدایش شهرکار آفرین، رویه ها، اهداف و سیاست شهری از اهداف رفاه به سمت اهداف رقابت جویی اقتصادی تغییر پیدا کرده، و همچنین ایده «شهرها به عنوان مکان زندگی جمعی» به ایده «شهرها به عنوان مکانهای مزایای اقتصادی رقابت آمیز» تغییر یافته است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، شهرهای جهانی، دوگانگی دیجیتالی، رژیم های شهری، شهرکینزی، شهرکار آفرین.

مقدمه

معتبر و جدید قرار داده است. متغیرهای این مقاله مشتمل بر مفهوم جهانی شدن، مولفه‌های جهانی شدن، پیشینه، تعریف و تبیین شهرهای جهانی، سیاست‌های دستیابی به جایگاه شهر جهانی، تاثیرات جهانی شدن بر روی شهرها (از جمله استقرار شرکت‌های چند ملیتی و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها در تعداد معدودی از شهرها، تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری، افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، شکل‌گیری اجتماعات دروازه دار، افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه) و سیر تطور نظریه پردازی در مورد رژیم‌های شهری در عصر جهانی شدن، ویژگی‌های شهرکینزی و کار آفرین است. افزون بر این به منظور تحلیل تغییر رژیم‌های شهری در عصر جهانی شدن، پس از تبیین سیر تحول نظریه پردازی در مورد آنها به «واکاوی زوال شهر کینزی - نیودیل و پیدایش شهر کار آفرین» پرداخته شده است. در مجموع نوشتار حاضر به دنبال پاسخ دادن به سوال‌های زیر است:

۱. «عمده‌ترین پیامدهای جهانی شدن بر روی شهرها چیست؟ مفهوم شهرهای جهانی چیست و مهمترین سیاست‌های دست‌یابی به شهرهای جهانی کدامند؟»؛ و
۲. «سیر تطور نظریه پردازی در مورد رژیم‌های شهری چگونه است؟ عمده‌ترین تغییرات صورت گرفته از شهر کینزی به شهر کار آفرین چیست؟ و چه کسی ذینفع اصلی تغییر از شهر کینزی به کار آفرین است؟»

مفهوم و مولفه‌های جهانی شدن

بر مبنای «فرهنگ لغت اینکارتا»، «جهانی شدن، همگرایی و دموکراتیزه شدن فرهنگ، اقتصاد و زیرساخت‌های جهانی، از طریق سرمایه‌گذاری فراملی، افزایش میزان ارتباطات، فناوری اطلاعات و تاثیر نیروی بازار آزاد بر اقتصادهای سطوح محلی، منطقه ای و ملی است» (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴). به باور «ماری»، جهانی شدن «فرایندی است که همانند پوشش و لایه ای بر روی جهان نمایان شده، و فرهنگ‌ها، جوامع و اقتصادهای جهانی را به محض اینکه وارد آن می‌شوند، همگن می‌سازد. در این فرایند همه یکسان می‌شوند،

مفهوم «جهانی شدن»، عمده‌ترین میراثی است که سده بیست و یکم از آخرین دستاوردهای علوم اجتماعی در آخرین دهه سده بیستم به ودیعه گرفته است (توسلی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸). «جهانی شدن»، روندی است که در قالب گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، منجر به تشدید یکپارچگی و درهم‌تنیدگی مناسبات گسترده در ابعاد سطوح مختلف (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره)، در میان «کنشگران نو» (NGOs، اجتماعات مجازی، شرکت‌های چند ملیتی یا فرا سرزمینی) و «سنتی» (دولت، حکومت و مقامات اداری و اجرایی) شده است. این تاثیرات دگرگونی در مناسبات پیشین اجتماعات انسانی، افزایش حجم مراودات، فراسرزمینی شدن نیازها و اثرگذاری، فزاینده دامنه آگاهی و به تبع آن، دگرگونی در مطالبات را به دنبال داشته است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳). همچنین به وابستگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بین مکان‌ها و کشورهای مختلف اطلاق می‌گردد، و «فرایندی است که توسط فناوری‌های پیشرفته به وقوع پیوسته و معاملات اقتصادی و تعاملات اجتماعی را با حجم و سرعت زیادی به انجام می‌رساند. این معاملات، طیف وسیعی از کالاها و خدمات، جریان‌های سرمایه و اطلاعات را در بر می‌گیرد.» از دهه ۱۹۷۰، جهانی شدن به نیروی قدرتمندی در بیشتر جنبه‌های زندگی تبدیل شده است (2010:216 Valiyev and Savith). در این میان، می‌توان تمام تحولات، پیامدهای و مظاهر جهانی شدن را در شهرها مشاهده نمود، بر همین مبنا مقاله حاضر از یک طرف به تبیین مفهوم، مولفه‌های جهانی شدن و تاثیرات جهانی شدن روی شهرها پرداخته است. از طرف دیگر از آنجایی که در متون شهری کشور به طور بایسته به مفهوم رژیم‌های شهری پرداخته نشده است، به تشریح رژیم‌های شهری در عصر جهانی شدن توجه ویژه‌ای نموده است.

روش تحقیق

روش نوشتار حاضر «توصیفی - تحلیلی» است و در این راستا، مبنای تحلیل خود را بر استفاده از منابع لاتین

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

جدول ۱. مولفه‌های جهانی شدن؛
ماخذ: Waters, 2001:16-14

جهانی شدن در برگیرنده خطر و اعتماد است. در فرآیند جهانی شدن، افراد به اعتماد کردن به اشخاص ناشناخته، نیروها، هنجارهای غیر شخصی (بازار یا حقوق بشر) و به الگوهای مبادله نمادینی که به نظر می‌رسد بیرون از کنترل فرد یا گروه ملموسی باشد، کشیده می‌شوند.
جهانی شدن در برگیرنده فروریختن عام‌گرایی و خاص‌گرایی است. رشد شتابان جهانی شدن با درهم شکستن زمان و زمان سبب شده تا جداسازی‌هایی همچون «گمین شافت» و «گزل شافت»، حوزه‌های عمومی و خصوصی، کار و خانه، نظام و زندگی دیگر به کار نیایند.
جهانی شدن در برگیرنده «پدیدارشناسی فشرده‌گی» است. این پدیدارشناسی به زمان و مکان باز می‌گردد، و جهانی شدن، حذف پدیدارشناختی مکان و فراگیر شدن زمان است.
پدیدارشناسی جهانی شدن، باز اندیشانه است. ساکنان کره زمین، خودآگاهانه خود را با جهان به عنوان یک کل سازگار می‌سازند.
جهانی شدن روابط دو سویه همه پیوندهای اجتماعی - فردی را در بر می‌گیرد.
جهانی شدن دست‌کم با نوسازی هم‌زمان است.

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۹ ■

شهرهای جهانی: آینه تمام‌نمای عصر جهانی شدن
بدون شک یکی از عمده‌ترین پیامدهای جهانی شدن، پیدایش شهرهای جهانی است. بر این اساس، در این مجال به پیشینه و مفهوم شهرهای جهانی پرداخته می‌شود. اصطلاح «شهرهای جهانی» برای نخستین بار توسط پاتریک گدس در کتاب «تکامل شهرها» (۱۹۱۵) به منظور تشریح «رشد شهری» و «منظومه‌های شهری» در منطقه‌های شهری خارج از بریتانیا مورد استفاده قرار گرفته شده است. او در این کتاب از «پاریس، برلین و نیویورک و دوسلدورف» و «پترزبورگ» به عنوان شهرهای جهانی یاد کرده است. در این میان «هال»، «فریدمن» و «ساسن» از جمله مهمترین پژوهشگرانی اند که در مورد شهرهای جهانی قلم رانده‌اند. هال در کتاب «شهرهای

مرزها اهمیت خود را از دست می‌دهند و فاصله‌ها از بین می‌روند» (Murray, 2006:3). «گوتیندر و لسلی باود»، جهانی شدن را به وابستگی روز افزون اقتصادی‌های جهانی تعریف نموده‌اند که بواسطه گردش اطلاعات، پول، مردم و کالاها در سراسر مرزهای ملی صورت می‌گیرد و در این فرآیند تحرک فزاینده سرمایه موجب تغییر در سازمان جغرافیایی تولید صنعتی و شبکه‌بازارهای مالی می‌شود (Gottinder and Budd, 2005:44). «جان شورت» از جهانی شدن به مثابه‌ی مفهومی «فوق‌العاده خلاصه شده» و «فشرده‌گی بیش از حد معانی و مفاهیم مختلف» تعبیر نموده است (شورت، ۱۳۸۸). به باور «آنتونی گیدنز»، جهانی شدن در همتنیدگی رویدادها و روابط اجتماعی سرزمین‌های دور دست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است، پدیده‌ای که می‌توان آن را به نوعی تلاقی حاضر یا غایب دانست (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۲). «گیدنز» جهانی شدن را به نوعی با مدرنیته یکسان می‌شمارد و معتقد است که به جای تاکید بر پسامدرنیته، باید از جهانی شدن به منزله «سنت زدایی» کامل از «مدرنیته» سخن گفت. در واقع، وی جهانی شدن را مدرنیته جهانی در نظر می‌گیرد که از سطح جامعه ملی گذر کرده و به سطح جامعه جهانی رسیده است و در طی آن، روابط اجتماعی جهانی تشدید می‌شود و تاثیر و تاثر متقابل میان رویدادهای مختلف در سطح کلان و جهانی از یک سو، و رویدادهای خرد و محلی از سوی دیگر ایجاد می‌شود. وی جهانی شدن را پدیده‌ای چند وجهی در نظر می‌گیرد که با چهار عنصر «دولت - ملت»، «اقتصاد سرمایه داری»، «نظم نظامی جهان»، و در نهایت، «تقسیم کار بین المللی» قابل تبیین است. «رابرتسون» نیز جهانی شدن را فرآیند «فشرده‌گی جهان معاصر و تبدیل آن به یک کل واحد» می‌داند که در آن، جهان یک نظام فرهنگی - اجتماعی معرفی می‌شود (عنایت و موحد، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴-۱۵۶). بر مبنای «دیدگاه واترز»، جهانی شدن در برگیرنده شش مولفه عمده است که شرح مبسوط آنها در جدول شماره ۱ آمده است.

1. Dusseldorf

2. Pittsburgh

جهانی» (۱۹۶۶)، تحلیل جامعی درباره گروهی از شهرها مشتمل بر لندن، پاریس، راین - رور، مسکو، نیویورک و راند استیدن هولند» انجام داده است. «پیترهال» (۱۹۹۳) هفت نوع شهر پایتختی از پایتخت‌های جهانی تا پایتخت‌های چند عملکردی را شناسایی نموده است (جدول شماره ۲).

به عقیده‌ی «فریدمن و ولف» (۱۹۸۲) شهرهای جهانی منبع «ایدئولوژی»، «فناوری جهانی» و «انسجام» هستند. آنها شهرهای جهانی را مشتمل بر توکیو، لس آنجلس، سان فرانسیسکو، نیویورک، لندن، پاریس، راندستات، فرانکفورت، زوریخ، قاهره، بانکوک، سنگاپور، هنگ کنگ، شهر مکزیکو و سائوپائولو دانسته‌اند (شورت، ۱۳۸۹). «ساسن» نیز در کتاب «شهرهای جهانی» (۱۹۹۱) سه شهر بزرگ لندن، نیویورک و توکیو را به عنوان شهرهای جهانی معرفی نموده است. وی سه نوع عملکرد را برای شهرهای جهانی بر شمرده است: «نقاط کنترل و فرماندهی در سازمان اقتصاد جهانی؛ مکان‌های کلیدی و

بازارهایی برای صنایع پیشرو در دوره معاصر؛ مکان‌های اصلی برای پشتیبانی از صنایع پیشرو از طریق ارائه نوآوریها و ابداعات». «کریس الدس» نیز سه دسته شهر جهانی را معرفی نموده است:

۱. «شهرهای فوق جهانی شده: در پیوند کامل با اقتصاد جهانی از طریق جریان‌های درونی و بیرونی قرار دارد.»؛ و
 ۲. «شهرهای در حال جهانی شدن: اتکای بیشتر بر جریان‌های از داخل تا جریان‌های از بیرون.»؛ و
 ۳. «در پیوند کامل با اقتصاد جهانی و با تجربه اثرات مستقیم در اقتصاد جهانی» (صرافی و محمدی، ۱۳۸۹).
- جدول شماره ۳، به طور کامل مفهوم شهرهای جهانی را بیان نموده است.

سیاست‌های دستیابی به جایگاه شهر جهانی سه گرایش عمده در معنای دستیابی به جایگاه شهر جهانی مشتمل بر انگیزه‌های مالیاتی، اجرای پروژه‌های بزرگ مقیاس و گسترش جهان «وطن‌گرایی» وجود دارد؛ که شرح مبسوط آنها در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۲. انواع پایتخت‌های جهان؛ ماخذ: Hall, 1993

پایتخت‌های جهانی که دارای نقش فراملیتی در سیاست و اقتصاد می‌باشند (لندن و توکیو).	پایتخت‌های جهانی
پایتخت‌هایی که تنها به عنوان مرکز حکومت ایجاد و فاقد سایر عملکردها می‌باشند (لاسه ^۳ ، واشنگتن دی سی، اوتاوا ^۴ و برازیلیا).	پایتخت‌های مختص مرکز حکومت
شهرهای پایتختی پیشین که نقش خود را به عنوان مرکز حکومت از دست داده‌اند، اما سایر عملکردهای تاریخی خود را حفظ کرده‌اند (برلین، لنینگراد و ریودوژانیرو).	شهرهای پایتختی پیشین
پایتخت‌های سلطنتی پیشین که هنوز دارای نقش‌های تجاری و فرهنگی مهمی برای قلمروهای سلطنتی پیشین هستند (مادرید، لیسبون و وین).	پایتخت‌های سلطنتی پیشین
پایتخت‌های ایالتی که نقش گذشته‌ی خود را از دست داده‌اند، اما برای قلمروهای پیرامونی خود حائز اهمیت بسیار زیادی می‌باشند (میلان، مونیخ، تورنتو و سیدنی).	پایتخت‌های ایالتی
ابر پایتخت‌ها که به عنوان مراکز سازمان‌های جهان شناخته می‌شوند (بروکسل، جنوا، رم و نیویورک).	ابر پایتخت‌ها
پایتخت‌های چند عملکردی که دارای تمام یا بیشتر عملکردهای ملی هستند (پاریس، لندن، مسکو و توکیو).	پایتخت‌های چند عملکردی

3. Hague

4. Ottawa

جدول ۳. مفهوم شهرهای جهانی

<p>به اعتقاد «هانرز» (۱۹۹۶)، شهرهای جهانی (نظیر نیویورک، لندن، پاریس، لس آنجلس و میامی) به مکان بازار فرهنگ جهانی، بر اساس حضورگذار و پایدار نخبگان تجاری فراملیتی، مهاجران کشورهای در حال توسعه، متخصصان خلاق، و گردشگران بین المللی تبدیل شده‌اند.</p>	<p>(کیم و شورت، ۱۳۸۹)</p>
<p>به اعتقاد «ساسن»، شهرهای جهانی آنهایی هستند که به عنوان مراکز اصلی شبکه‌های جهانی، شرکت‌های تجاری، موسسات و سازمان‌های مالی، سازمان‌های غیردولتی (NGO) و مهاجران نقش ایفا می‌نمایند و همچنین در برگزیده‌ی مکان‌های مرکزی است که عملکرد جهانی شدن در آنجا صورت می‌گیرد.</p>	<p>(Sassen, 2000)</p>
<p>«ساسن» در کتاب «شهرهای جهانی» (۱۹۹۱) توجه خود را بر روی سه شهر بزرگ «لندن»، «نیویورک» و «توکیو» معطوف نمود؛ و از شهرهای جهانی به عنوان مراکز سیستم‌های جدید کنترل و هماهنگی و مدیریت و مکان‌های تولید خدمات تخصصی خدماتی از جمله «حسابداری»، «خدمات مالی»، و «مشاوره» نام برده است.</p>	<p>(Sassen, 1991)</p>
<p>مجموعه‌های فرهنگی از مشخصه‌های بسیار مهم در راستای شناخت شهرهای جهانی است: «تالارهای هنری، محل برگزاری موسیقی، رستوران‌های نژادی، فستیوال‌ها». شهرها از نظر اقتصاد فرهنگی هم مقیاس با اقتصاد مالی تعریف شده‌اند. مجموعه‌ای از جذابیت‌های شهری، رویدادهای میلیونی جهانی، اثرات معماری، بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال، فستیوال‌های موسیقی و هنری از ویژگی‌های بارز شهرهای جهانی هستند.</p>	<p>(شورت، ۱۳۸۸)</p>
<p>اصطلاح «شهر جهانی» به مجموعه‌ای از شهرها مشتمل بر لندن، نیویورک و توکیو اطلاق می‌گردد که به عنوان مراکز کنترل و فرماندهی اقتصاد جهانی عمل می‌نمایند. به باور «ساسن»، ویژگی این مکان‌های شهری توسط اقتصاد محلی آنها تعیین می‌گردد که مبتنی بر خدمات تجاری و مالی مربوط به شرکت‌ها و بانک‌های چند ملیتی می‌باشد، و اینها به طور مستقیم، فعالیت‌های اقتصاد سراسر جهان را کنترل می‌کنند. عمده‌ترین شهرهای جهانی از طریق سازمان مالی جهانی به طور لاینفکی با همدیگر در هم تنیده شده‌اند. به اعتقاد ساسن، شهر جهانی مراکز کنترل و فرماندهی را بواسطه شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌های مالی در خود جای داده است، به گونه‌ای که ساختار شغلی شان تحت تسلط خدمات تجاری و مالی می‌باشد. این گونه شهرهای با کاهش تولیدات سنتی و افزایش شغل‌های خدماتی با مهارت پایین مواجه شده‌اند. در نتیجه نیروی کار به طور روز افزونی از شغل‌های حرفه‌ای با درآمد بالا و کارگران خدماتی با درآمد پایین تشکیل شده است.</p>	<p>(Gottinder and Budd, 2005:44)</p>

جدول ۴. سیاست‌های دستیابی به جایگاه شهر جهانی؛

ماخذ: با اقتباس و تغییر شکل از کیم و شورت، ۱۳۸۹

نخست، سیاستمداران شهری چشم انداز شهرشان را به عنوان شهری جهانی معرفی می‌نمایند. بخصوص در آن هنگامی که آنها به دنبال کسب حمایت عمومی برای اجرای برنامه‌های مناقشه انگیز نظیر پروژه‌های نوسازی شهری، توانمندسازی بزرگ مقیاس زیرساخت‌ها، و میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی هستند. این عقیده که چنین پروژه‌ها یا رویدادهایی برای شهر، جایگاه جهانی را به ارمغان خواهند آورد، هنگامی که واکنش عمومی به طور مطلوبی به سمت آن اجماع‌کند به طور قطع مفید خواهد بود.
دوم، سیاستمداران و مؤسسات تجاری از بحث دستیابی به جایگاه شهر جهانی به هنگام طرفداری از انگیزه‌های مالیاتی بزرگ مقیاس و سیاست‌های اقتصادی تجارت‌گرایانه استفاده می‌کنند. چنین سیاستمدارانی اغلب دستیابی به جایگاه شهر جهانی را به توانایی و یا شهرت جهانی شرکت‌های بین‌المللی شهر در جذب تجارت‌های مشهور جهانی مرتبط می‌سازند.
سوم، از اقدامات دستیابی به جایگاه شهر جهانی به منظور حمایت از تلاش‌های صورت گرفته در راستای افزایش چند فرهنگ‌گرایی، و در مفهومی گسترده‌تر، جهان و وطن‌گرایی در میان مناطق مسکونی شهر استفاده می‌شود. تصورسازی شهر جهانی به عنوان طرفدار فرهنگ‌های جهان و وطن‌گرایی منجر به افزایش حمایت عمومی از حکومت‌ها برای انجام پروژه‌های فرهنگی پرهزینه نظیر جشنواره‌های قومی یا ساخت و نوسازی خانه‌های اپرا و مراکز فرهنگی می‌گردد.

اثرات جهانی شدن روی شهرها

می‌شود:

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۲ ■

۱. «استقرار شرکت‌های چند ملیتی و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها در تعداد معدودی از شهرها»: «شرکت‌های چند ملیتی»، کارخانه‌های تولیدی خود را در آن دسته از مکان‌ها استقرار می‌دهند که برای تولیدات آنها تقاضای بالایی وجود داشته باشد، و اینکه اتکاء به تولید در کشور خود را کاهش دهند. همچنین هزینه‌های تولید و حمل و نقل را تقلیل دهند. شرکت‌ها در شهری استقرار می‌یابند که می‌توانند در آن به بالاترین مزیت رقابت دست یابند، و اینکه بیشترین خروجی را با خرج کمترین هزینه داشته باشند؛ به این معنا که هم نیروی کار کارآمدی با کمترین هزینه و هم زیرساخت‌های فیزیکی به قدر کافی در آن شهر وجود داشته باشد (al, 2003:266).

۲. «تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری»: در پی جهانی شدن وضعیت زندگی در برخی از کشورها بهبود یافته، اما در شماری دیگر همچنان رکود بر زندگی آنها سایه انداخته است. به تبعیت از این مساله، شهرهای جهانی شکاف در حال گسترده بین برندگان و بازندگان جهانی شدن را به نمایش می‌گذارند. شهرهای

جهانی شدن در شهرها اتفاق می‌افتد، و شهرها تجسم بخش و انعکاس‌گر جهانی شدن هستند. فرآیندهای جهانی منجر به تغییراتی در شهرها و شبکه شهرها شده است. «پویایی‌های شهری» معاصر ترجمان فضایی جهانی شدن هستند، در حالی که تغییرات شهری به فرآیندهای جهانی شدن شکل می‌بخشند (Short and Kim, 1999:9). اثرات جهانی شدن در توسعه شهرهای معاصر نقش مهمی دارد، و به طور عمده‌ای موجب انسجام اقتصادهای ملی و تغییر بنیادی شهرهای قدیمی می‌گردد. آن دسته از عناصر جهانی شدن که در توسعه شهری نقش دارند، عبارتند از: «جهانی شدن مکان‌های تجاری و تولیدی؛ پیشرفت زیرساخت‌های فیزیکی برای انتقال اطلاعات؛ سهولت پردازش معاملات مالی و انتقال جهانی سرمایه؛ اهمیت روزافزون پیشرفت فناوری در توسعه مناطق شهری؛ و مقدار عظیم فعالیت‌های اقتصادی که هم اکنون در بسیاری از مرزهای چند ملیتی صورت می‌پذیرد (2001 Scott et al). در ادامه این پژوهش به تحلیل شماری از مهمترین اثرات جهانی شدن بر روی شهرها پرداخته

«بتا»، و «گاما» را شناسایی کردند.

شهرهای مهاجرتی آلفا مشتمل بر نیویورک، تورنتو، دبی، لس آنجلس، لندن، سیدنی، میامی، ملبورن، آمستردام، ونکوور هستند. شهرهای رتبه‌های دوم بتا، شامل شهرهای ریاض، جنوا، پاریس، تالویو، مونترال، واشنگتن دی سی، لاهه، کیف، سانفرانسیسکو و پرت در استرالیا است. در سایر مقالات آنها، شهرهای دروازه‌ای رسمی، شهرهای دروازه‌ای غیررسمی، دروازه‌ای تصادفی و شهرهای دروازه‌ای فرعی را شناسایی کرده‌اند. دروازه‌های شهری غیررسمی در خاورمیانه پی ریزی شده‌اند؛ تعداد زیادی از دروازه‌های تصادفی در بلوک شرق سابق هستند، و دروازه‌های شرقی فرعی (شهرهای در حال جهانی سازی با سطح پایینی از مهاجران خارجی) در شهرهای آسیایی قابل مشاهده‌اند (شورت، ۱۳۸۸).

از دیگر خصایص جهانی شدن، «افزایش چشمگیر گردشگران خارجی» است. «توریسم»، صنعت شهری عمده‌ای است که جریان‌های عظیمی از مردم سراسر جهان را در بر می‌گیرد، چنان‌که به یکی از ملموس‌ترین نمودهای جهانی شدن تبدیل شده است. به طور متوسط، سالانه بیش از ۶ میلیون گردشگر خارجی از نیویورک بازدید می‌نمایند، و این رقم برای پاریس (با ۱۵ میلیون گردشگر) و لندن (با ۱۱ میلیون گردشگر) به مراتب بیشتر است. شهرها به مراکز مصرف، سرگرمی، فرهنگ و خدمات رسانی تبدیل شده‌اند تا به وسیله سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی، ساخت فرودگاه‌ها، سیستم‌های حمل و نقل انبوه، و تسهیلات رفاهی خود را با این صنعت نوظهور تطابق دهند؛ در حالی که شهرهایی نظیر لندن، نیویورک و توکیو دارای منابع مالی عظیم، ارتباطات جهانی و فرصت‌های بسیار زیادی هستند، اما سایر شهرهای کشورهای توسعه نیافته در این شرایط قادر به ایجاد اقتصاد متنوع و پویایی نمی‌باشند. برای شهرهای جهانی نظیر لندن، نیویورک و توکیو و شهرهای به سرعت در حال پیشرفت از قبیل سنگاپور، شانگهای و بانکوک، جهانی شدن به منظور تغییر مبنای صنعتی شان موهبتی اساسی به شمار می‌رود، اما در بقیه مناطق جهان توسعه نیافته، ظرفیت انتقال منابع محلی، به

جهانی، تعداد زیادی از شغل‌های «کنترل و فرماندهی» با دستمزد بالا را برای مدیران شرکت‌ها و شغل‌های «نظافتی» با دستمزد پایین را برای کارگران مهاجر در خود جای می‌دهند (Sassen, 1991). وجه بارز ارتباط بین «جهانی شدن» و «نابرابری در زیرساخت‌های شبکه‌ای جهانی» و جوامع دروازه دار شهرهای جهان سوم، به وضوح نمایان شده است. چنین ویژگی‌هایی، اکثریت عظیمی از ساکنان شهری را به حاشیه رانده است (Graham and Martvin, 2001; Mycoo, 2006).

«کیدر» در تحقیق خود در مورد تاثیرات مخرب جهانی شدن بر روی «انسجام اجتماعی در استانبول» به افزایش ثروتمندان جدید از جمله تحلیلگران امور مالی، برنامه نویسان نرم افزاری و سایر حرفه‌ای‌های جوان اشاره کرده که پیوندهای نزدیکی با «خدمات مشترک جهانی» و «الگوهای مصرفی» دارند؛ در حالی که به گفته کیدر، «جهانی شدن اقتصاد» برای بسیاری از جوانان حرفه‌ای و بانکداران سود داشته است، اما موجب زیان به اکثریت عظیمی از ساکنان شهری از طریق ایجاد سطوح جدید نابرابری، دو قطبی شدن اشتغال، درآمد و استفاده از محیط انسان ساخت گردیده است، او می‌نوشته است که «در درون شرایط ایدئولوژیکی جهان نئولیبرالیسم این توسعه‌ها (نابرابری و دو قطبی شدن) به وسیله سیاست اجتماعی، به طور کارآمد متعادل نشده‌اند» (Keyder, 2005: 124).

۳. «افزایش مهاجرت و گردشگران به شهرهای بزرگ»: ظهور جهانی شدن موجب افزایش مهاجران و گردشگران بین‌المللی به بسیاری از شهرها شده است. در سال ۲۰۰۰ بیش از ۵۰ درصد جمعیت نیویورک و توکیو، اقلیت‌های قومی و متولدان خارجی بوده‌اند. در لندن، درصد ساکنان خارجی به میزان ۲۹ درصد افزایش یافته، در حالی که در پاریس این رقم به میزان ۱۵ درصد افزون گشته است. شهرهای جهانی مقصد عمده‌ای برای تعداد زیادی از مهاجران بین‌المللی هستند. «لیزانتون - شورت» و «ماری پرایس» (۲۰۰۶) بررسی وسیعی در مورد ساکنان متولد خارجی در ۱۵۰ شهر دنیا را به انجام رسانده‌اند. آنها در این پیمایش شهرهای «آلفا»،

بخش صادراتی موجب اعمال محدودیت بر مناسباتشان با اقتصاد جهانی شده است. شهرهای واقع در مکان‌های استراتژیک نظیر سنگاپور، به طور موفقیت آمیزی از فرصت‌های بین‌المللی برای شکوفا ساختن صنایع سنگین و تغییر اقتصادهای خود به منظور تطابق با مراکز مالی، شرکت‌های کلان و سایر خدمات حرفه‌ای استفاده نموده‌اند. اما بسیاری از شهرهای آفریقا قادر به جذب بخش‌های اقتصادی جدید نمی‌باشند (Savith, 2010) and (Valiyev and

۴. «شکل‌گیری اجتماعات دروازه‌دار»: در عصر جهانی شدن، محله‌های ثروتمندنشین برای دور نگه داشتن خود از مناطق مسکونی مجاور در راستای بهبود امنیت بر دور خود دیوار حائلی ایجاد کرده که اغلب به آن «معماری ترس» گفته می‌شود. افزون بر این طراحی فیزیکی، دسترسی محدود نظیر دیوارها، دروازه‌ها، و گاردهای امنیت نظامی ویژگی مشخصه جوامع دروازه‌دار می‌باشد، همچنین آنها کالاهای و خدمات عمومی خود را به صورت خصوصی تهیه می‌کنند. با وجودی که قلمروهای مسکونی لوکس و محصور در شهرهای جهان سوم از قرن‌ها پیش وجود داشته، اما به نظر می‌رسد که جوامع دروازه‌دار محبوبیتی بی‌سابقه را در میان طبقات متوسط به بالا در دو دهه‌ی آخر سده‌ی بیستم به دست آورده‌اند (Webster et al; 2002). این جوامع دروازه‌دار چشم اندازه‌های عمومی شهرهای خود را دگرگون ساخته‌اند. پیشرفت فزاینده بی نظیر املاک در بازارهای مسکونی برای اسکان جوانان، متخصصان غرب زده و با درآمد بالا گواهی بر صدق این مطلب است. دولت‌ها نیز به جای توقف تقسیم رو به افزون بین ثروتمندان و فقیران، اغلب به دنبال تسهیل ایجاد قلمروهای محصور به واسطه‌ی «تقویت خصوصی نمودن مکان‌های عمومی»، «تقلیل مقررات روی توسعه املاک» و «تهیه حمل و نقل و تاسیسات زیربنایی ارتباطات راه دور» می‌باشند. ریشه‌های ترس از جرم، جنایت و خشونت در میان ثروتمندان ناشی از شکست حکومت‌ها در کنترل شهر موثر است، گرچه مناطق مسکونی دروازه‌دار بیشتر محصول تهدیدهای ادراکی می‌باشد (کیم و شورت، ۱۳۸۹).

۵. «افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه»: به نظر «رابرتسون»، جهانی شدن به معنای درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۲) و به عبارت دیگر تراکم آگاهی کل نزد اجزاء (همان، ص ۲۵) است. «جهانی شدن»، مفهومی است که هم به «فشرده‌گی جهان» و هم به «تشدید خود آگاهی از جهان به مثابه یک کل»، اطلاق می‌شود. به این ترتیب، جهانی شدن همان یگانه شدن جهان و نه وحدت و ادغام آن است. این تعریف از جهانی شدن مبتنی بر فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی است. بر این اساس، جامعه اطلاعاتی نیز معنا پیدا می‌کند؛ زیرا در این صورت می‌توان آن را جامعه‌ای دانست که در آن تجارت، رسانه‌ها و ارتباطات علمی در سراسر جهان یگانه می‌شود. (Webster, 2001: 3) کاستلز، «فضای جریان‌ها» و «زمان بی‌زمان» را از جمله ویژگی‌های «جامعه اطلاعاتی و مجازی» می‌داند. به نظر او در جامعه مجازی، مفاهیم مکان و زمان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند که با معانی سنتی آن در جوامع ماقبل مدرن و یا حتی صنعتی تفاوت بارز دارد. مکان با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده است و به این اعتبار حضور در مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار آید. به همین ترتیب، «انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف»، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته است و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب‌های مکانیکی جهان صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۵۴۲-۴۴۰). موضوع دوگانگی دیجیتالی به شکاف موجود در دسترسی به فرصت‌ها در میان افراد مختلف و مکان‌های متفاوت به منظور دستیابی به اطلاعات پیشرفته و فناوری‌های ارتباطات راه دور مربوط می‌شود. گرچه امروزه درک عمومی، حکایت از افزایش چشمگیر در استفاده از رایانه و اینترنت دارد، اما تعداد زیادی از مردم و مناطق در شهرهای جهان سوم فاقد دسترسی به شبکه‌های رایانه‌ای و سایر اطلاعات

پیشرفته و فناوری‌های ارتباطی می‌باشند. تقسیم دیجیتال روزافزون اغلب در مقیاس بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد، چراکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توان تحقق بخشیدن به اجرای زیرساخت‌های پرسرعت با عملکرد مطلوب را ندارند، در صورتی که این امر در کشورهای توسعه یافته به آسانی در دسترس افراد قرار می‌گیرد (UNCTAD, 2005). امروزه تقسیم ناملموس اما در عین حال بسیار مهمی در درون شهرهای جهان سوم مشاهده می‌گردد و آن اینکه ایجاد زیرساخت‌های شبکه‌ای بسیار پرهزینه، به تعداد اندکی از ثروتمندان خدمات رسانی نموده و اکثریت فقیر را نادیده انگاشته است؛ به این معنا که شبکه‌های زیرساخت‌های مدرن در کشورهای در حال توسعه تنها نیازهای بیشتر نخبگان فراملی نظیر فعالیت‌های محلی شرکت‌های فراملیتی، شرکت‌های محلی در سطح جهانی و جوانان تحصیل کرده را برآورده می‌سازد. با این وجود، عنصر اصلی چشم‌اندازهای جدید شهری از قبیل نوآوری، پیشرفت اقتصادی و انتقال فرهنگی و تاسیسات زیرساختی شبکه جهانی به تشدید نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند و قابلیت استفاده از ارتباطات اینترنتی در میان محله‌های درون شهرها بسیار تغییر یافته است.

رژیم‌های شهری

مفهوم «رژیم‌های شهری» یک مفهوم بسیار مهم در نظریه‌های شهری است؛ زیرا مفهوم رژیم‌های شهری توجه ما را بر روی ارتباط بین تجارت، سیاست‌ها و تنش‌ها، ضرورت سازگاری‌ها و معاملات برای سیاست‌های دموکراتیکی به منظور کار در یک جامعه‌ی سرمایه‌داری متمرکز کرده است. نظریه رژیم به تبیین این امر می‌پردازد که چگونه «ذینفعان عمومی و خصوصی» با هماهنگی همدیگر، موجبات «استقرار حاکمیت شهری» را فراهم می‌سازند. این نگرش نشان دهنده دیدگاه‌هایی ظریف در مورد «قدرت، حاکمیت و سیاست‌گذاری در

سطح شهر» می‌باشد، و به دنبال اصلاح نظریه‌های مربوط به محدودیت سیاست‌های شهری؛ «کثرت گرایان» و «حاکمیت نخبگان» است. «کلرنس استون»، رژیم شهری را به معنای آرایش غیر رسمی ذینفعان خصوصی و بخش عمومی تعریف نموده است که همراه و دوشادوش همدیگر تصمیمات حاکمیت شهری را هدایت و اجرا می‌سازند. این تعریف به معنای آن است که ساختارهای رسمی حکومت محلی به تنهایی قادر به تحرک بخشیدن و هماهنگ نمودن منابع مورد نیاز برای انجام اقدامات بزرگ مقیاس و عمومی نمی‌باشد (Stone, 1989:6). تحلیل رژیم شهری، موجب شمار زیادی از پژوهش‌ها شده است. رژیم‌های شهری در طول زمان و فضا متفاوت هستند. «جاد و کاننور»^۶ (۱۹۹۲) چهار سیکل سیاست‌های رژیم را در آمریکا شناسایی کرده‌اند. به این معنا که در شهرهای کار آفرینی تا دهه‌ی ۱۸۷۰، نخبگان تجاری شهر را کنترل می‌کردند. سپس با ظهور صنعتی شدن و مهاجرت‌های بزرگ مقیاس، ذینفعان تجاری به همراه نمایندگان سیاسی مربوط به مهاجران به تازگی سازماندهی شده کار می‌کردند. نتیجه‌ی این موضوع پیدایش «شهر مبتنی بر سیاست‌های ماشینی»^۷ است که از دهه‌ی ۱۸۷۰ تا ۱۹۳۰ به طول کشیده است. از دهه‌ی ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ «ائتلاف نیودیل»^۸ رایج بود که بر اساس آن سیاست‌های فدرالی موجب رونق اقتصادهای شهری و حفظ اساس قدرت دموکراتیک شده است. در سیکل جدید نیز «رشد اقتصادی و جامعیت سیاسی» تسلط یافته است. «استوکر و موسبرگر»^۹ (۱۹۹۴) سه نوع رژیم را شناسایی کرده‌اند: «ارگانیک»، «ابزاری» و «نمادین».

«رژیم‌های ارگانیک»^{۱۰} مختص شهرهای کوچک و مناطق حومه‌ای با جمعیت یک‌دست، متجانس و احساس قوی تعلق به مکان است، هدف اصلی این رژیم‌ها حفظ وضع موجود می‌باشد. «رژیم‌های ابزاری»^{۱۱} بر اهداف فرعی ویژه در مشارکت سیاسی بین حکومت‌های شهری و ذینفعان تجاری متمرکز شده است. «رژیم‌های نمادین»^{۱۲} در شهرهای در معرض تغییرات سریع از جمله نوسازی

6. Judd and Kantor
7. City of machine Politics
8. New Deal Coalition
9. Stoker and Mossberger

10. Organic Regimes
11. Instrumental Regimes
12. Symbolic Regimes

بزرگ مقیاس، تغییر سیاست‌های عمده و اقدامات
تصور می‌یابد که به دنبال تغییر تصور عمومی در
مورد شهر است.
از طرف دیگر سه نوع رژیم در ایالت متحده آمریکا
مشمول بر «رژیم‌های مرکزی»، «حومه‌ای» و «محلی»
شناسایی شده است. رژیم‌های شهری مرکزی، مانند
آتلانتا، متشکل از اتحاد ذینفعان تجاری و واسطه‌گران
قدرت ماشین‌های سیاسی رسمی است. در رژیم‌های
حومه‌ای یک دستور کار مشترک، درباره‌ی پایین نگه
داشتن مالیات‌ها و حفاظت از ارزش‌های دارایی جمعیت

را متحد می‌سازد. رژیم‌های محلی نیز به منظور حفظ
وضع موجودند و اغلب در راستای جلوگیری از پایین
آمدن درآمدها و گروه‌های نژادی مختلف به وجود
آمده‌اند (شورت، ۱۳۸۸؛ کیم و شورت، ۱۳۸۹).
مقاله حاضر، در ادامه به تبیین سیر تحول نظریه پردازی
در مورد رژیم‌های شهری پرداخته (جدول شماره ۵) و
پس از آن تحلیل زوال شهرکینزی- نیودیل و پیدایش
شهرکارآفرینی به عنوان تجلی تغییر رژیم‌های شهری را
در کانون توجه خود قرار داده است.

جدول ۵. سیر تحول نظریه پردازی در مورد رژیم‌های شهری؛

Source: Mossberger and Stoker, 2001; Stone, 2005; Hall and Hubbard, 1998; Lauria, 1997:7

ابتدا «لوگان» و «مولوتچ» ^{۱۳} (۱۹۸۷) اصطلاح «ماشین رشد شهری» ^{۱۴} را در شهرهای آمریکا ابداع نمودند که شامل دلان، بانکداران محلی، سیاستمداران صاحب نفوذ، رؤسای شرکت‌ها و اتاق‌های بازرگانی است. اتاق بازرگانی مشتمل بر لابی‌هایی است که سیاستمداران شهری را مجبور به تمرکز رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها می‌کند.
دوم، «کلارنس استون» ^{۱۵} (۱۹۸۹) تجزیه و تحلیل اش را بر روی حاکمیت آتلانتا از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۸۸ متمرکز نمود، و اصطلاح «رژیم‌های شهری» ^{۱۶} را ابداع کرد، و آن را به عنوان «آرایش‌های غیر رسمی» تعریف کرد که امورات رسمی مقامات حکومتی را کنترل و تکمیل می‌نماید. رژیم شهری متشکل از ائتلاف‌های غیررسمی است که تصمیم‌گیری و امورات شهری را انجام می‌دهند. در حالی که لوگان و مولوتچ بر روی «دستورکارهای اقتصادی نخبگان تجاری» متمرکز شده‌اند، استون بر روابط متقابل آنها با قدرت سیاسی و توافقات حاصل شده تأکید نموده است.
سوم، تأکید بر روی دلایل و پیامدهای تغییر رژیم از شهر نیودیل- کینزی ^{۱۷} به شهرکارآفرینی ^{۱۸} می‌باشد. شهرکینزی برگرفته از نام اقتصاددان انگلیسی «جان مینارد کینزی» ^{۱۹} (۱۹۴۶-۱۸۸۳) است. وی باور داشت که دولت نقش عمده‌ای در رونق تقاضای مؤثر در اقتصاد دارد. نقطه‌ی اوج «شهر نیودیل- کینزی» از دهه‌ی ۱۹۳۳ تا ۱۹۸۰ در بیشتر کشورهای توسعه یافته بوده است، در این دوره بین نیروی کار و سرمایه در مورد نقش حکومت توافق وجود داشت. هزینه‌های حکومت موجب رونق تقاضا می‌شود، چنان که بیکاری محدود و کنترل می‌گردد. برنامه‌های حکومت دسترسی اکثریت جمعیت به بهداشت قابل استطاعت، مسکن، آموزش و رفاه اجتماعی را تضمین می‌کرد، و این امر موجب تعدیل پیامدهای اجتماعی رکود تجارت می‌شد. از دهه‌ی ۱۹۸۰ شهر نیودیل- کینزی دوران زوال خود را شروع کرد. علت آن عبارت از: «تداوم تورم توأم با کساد که اقدامات تعادلی سرمایه‌گذاری حکومت، راکه می‌توانست بیکاری را با وجود تورم به حداقل برساند، را مختل می‌کرد؛ مقاومت رو به افزایش در برابر مالیات حکومتی، رقابت اقتصادی فزاینده و کاهش قدرت نیروی کار سازمان یافته بود». در آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ یک روایت کلان جدیدی به نام «دستورکار نئولیبرال» نمایان شد، که خواهان محدود کردن هزینه‌های حکومت به ویژه در مورد رفاه اجتماعی، کاهش یارانه‌های اجتماعی، جهانی شدن اقتصاد، بازارهای آزاد، اعمال محدودیت بر افزایش مالیات بود، و همه‌ی این موارد از باز جهت‌گیری گسترده هزینه‌های حکومت و باز جهت‌گیری در ماهیت سیاست‌های شهری و ملی ناشی شده است. دستورکار لیبرالیسم جدید ایجاد شهرکارآفرینی است که در جست

13. Logan and Molotch
14. Urban growth machine
15. Clarence Stone
16. Urban Regimes

17. Keynesian-New Deal City
18. Entre Preneurial City
19. John Maynard Keynes

و جوی «تسهیل خصوصی سازی و پایان دادن به خدمات اشتراکی» با هدف کسب سود از پیوند با اقتصاد جهانی می‌باشد. در شهرکار آفرین، رژیم‌های شهری بیشتر به ایجاد درآمد مستقیم و مجموعه‌ای از شرکت‌های عمومی - خصوصی تمایل دارند. همچنین شهرهای کار آفرین بیشتر به سیاست‌های به حداکثر رساندن رشد و درآمدگرایش دارند.

چهارم، توجه ویژه‌ای معطوف به این موضوع شده است که چگونه رژیم‌های شهری نسبت به جهانی شدن و رقابت جهانی روز افزون سازگاری یا واکنش نشان می‌دهند. شورت (۲۰۰۴) معتقد است که باید نگاه‌ها به دستور کار سیاسی شهرهای در حال جهانی شدن، بازنمایی شهرهای صنعتی، استفاده روز افزون از معماران نامور و چشم اندازهای جهانی، و شکل‌گیری نشانه‌شناسی‌های شهری جهان وطنی تغییر یابد. هم‌اکنون شهر مکان تصورات جهانی است چراکه شهرها بر سر شناخت جهانی و تجاری رقابت می‌کنند، و تلاش شهرهای جهانی موجود بر حفظ موقعیت و جایگاه شان معطوف شده است. شناخت پیچیده‌ی نقش رژیم‌های شهری در ایجاد شهرهای در حال جهانی شدن و سیاست جهانی این امکان را فراهم خواهد ساخت که چگونگی روابط متقابل نیروهای اقتصادی جهانی و محلی بهتر درک گردد.

عمده‌ترین تغییر در زمینه مفهوم رژیم‌های شهری، زوال شهرکینزی - نیودیل و پیدایش شهرکار آفرینی است. در حالی که کینز طرح نظریه‌ی دولت فعال در جوامع سرمایه دار را طراحی کرده، «برنامه اصلاحات اقتصادی - اجتماعی روزولت»^{۲۰} به آن جنبه‌ی عملی بخشیده است. حکومت روزولت در مواجهه‌ی با مسئله‌ای به نام بیکاری عظیم در سال ۱۹۳۳ اقداماتی را شروع نمود که به آن وسیله برای افزایش ظرفیت چرخه اقتصادی به منظور جذب بیکاری و تضمین ثبات اجتماعی، از بودجه‌ی حکومت استفاده کرده است. از دهه ۱۹۸۰ به اینطرف، با کاهش هزینه‌ها و بودجه‌های اجتماعی و نیز کاهش پایه‌ی مالیات در بسیاری از شهرهای صنعتی، شهر کار آفرینی جایگزین شهرکینزی نیودیل شده است. در مجموع می‌توان عمده‌ترین ویژگی‌های شهرکار آفرین را مشتمل بر موارد زیر دانست:

- در شهرکار آفرین، مقامات شهری به دنبال دستیابی به پول بیشتر، به جای هزینه هستند و حتی بودجه‌ها و مخارج آنها بیشتر به سمت ایجاد شرایط مطلوبی برای تجارت است؛ به طوری که امروزه شهرها به مکان تجارت تبدیل شده‌اند، نه مکان سکونت.

- تغییر از «شهرکینزی نیودیل» به «شهرکار آفرینی»، موجب تغییر فرهنگ سیاسی شده و شهری غیرانسانی و ضد بشری را به وجود آورده است. به گونه‌ای که در شهر کار آفرینی مردم به عنوان ساکنان و شهروندان شهر به

کارگران و مصرف‌کنندگان تبدیل شده‌اند؛ در این شهر به افراد فقیر به عنوان مایه‌ی ننگ و سرافکنندگی نگریسته می‌شود.

- در شهرکار آفرین، کاهش فضاهای عمومی و افزایش کالایی شدن، کاهش فضاهای نیمه عمومی، فضاهای نیمه خصوصی (از جمله مراکز خرید) موجب فاصله گرفتن از آنهایی شده که چندان قادر به خرید و مصرف نیستند. فضاهای عمومی شهری بر اساس گروه‌های درآمدی تقسیم شده‌اند و حاشیه نشینان به عنوان یک تهدید انگاشته شده‌اند.

- بیشتر مردم در پشت اجتماعات دروازه‌ای پنهان شده‌اند؛ و آنها در حومه‌های مجزایی مشغول به زندگی هستند و از نظر اجتماعی از مکان‌های تفکیک شده حمایت می‌کنند. بیشتر فضاهای عمومی نه به عنوان مکانهای روابط متقابل منظم بلکه بیشتر به عنوان مکان‌های ترسناک و هول‌انگیزی در نظر گرفته می‌شوند. جدایی‌گزینی اجتماعی افزایش یافته و احساس امنیت و ایمنی از بین رفته است؛ چنان‌که گروه‌های با درآمد بالا و متوسط از فضاهای عمومی شهری عقب نشینی کرده‌اند. این فضاها به طور فزاینده‌ای به مکان‌های تهدید و خطر برای برقراری انضباط، کنترل و اداره تبدیل شده‌اند.

- مهمترین هدف تغییر حاکمیت شهری شامل رقابت فزاینده بین شهرها به منظور دستیابی به رشد اقتصادی همه جانبه است. جهانی شدن بازارها، تولید، فناوری و

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۷

اقتصاد، نوسازی اقتصاد جهانی و گردش سرمایه، نشانه‌های روشن و آشکاری از رقابت فزاینده بین شهرها هستند.

اما در این رابطه مهمترین سوالی که ذهن اندیشمندان را به خود جلب کرده، این است که چه کسی ذینفع اصلی این تغییرات است؟ در این زمینه دو تفسیر متضاد و چالش برانگیزی وجود دارد.

۱. تفسیر اول مربوط به «پترسون»^{۲۱} (۱۹۸۰) می‌باشد، وی مدعی است که رشد اقتصادی شهرها به همه‌ی ساکنان سود می‌رساند، به علت اینکه هر پروژه‌ی توسعه آمیز برای کل شهر اثرات مثبت و مفیدی به همراه خواهد داشت؛ به این معنا که با رشد اقتصاد شهر تمام ساکنان از نفع آن بهره می‌گیرند و در واقع سعادت و رفاه همگانی را بوجود می‌آورد.

۲. در تضاد با دیدگاه پترسون، گروهی از اندیشمندان بر این باورند که رشد اقتصادی به معنای پیشرفت سعادت عمومی نیست. ایدئولوژی و سیاست‌های فراقینزی، نهادینه سازی موسسات تجاری کارآفرینان منطقه‌ای را تشویق می‌کند. «اخلاق رشد آن‌ها» - رشد خوب است - به منظور حذف تمام دیدگاه‌های بدیل مربوط به اهداف حکومت شهری محلی یا اجتماع می‌باشد. ائتلاف از تاریخ‌های محلی، فرهنگ و عقایدی کمک می‌پذیرد، که زیربنای فعالیت هایش را تشکیل داده است. «پک و تیکسل» (۱۹۹۵) نقش ائتلاف‌های رشد را به سه دسته تقسیم کرده‌اند، نخست وابستگی اهداف رفاه‌گرا به ضرورت‌های عمده رشد و رقابت پذیری محلی؛ دوم تشدید رقابت مکان محور برای سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی؛ و سوم شکل‌گیری لایه‌ی جدید بازیگران سیاسی تجاری در سطح محلی. موسسات تجاری به عنوان یک پدیده سیاسی و سپس پدیده‌ای نهادینه شده تثبیت می‌شوند. حکومت شهر کمتر به کنترل یا تنظیم تجارت محلی می‌پردازد، بلکه بیشتر بر ارتقای رشد اقتصادی محلی تمرکز می‌کند؛ به گونه‌ای که بازاریابی شهری به نیروی اصلی و در حال رشد توسعه‌ی اقتصادی شهری جدید تبدیل شده است (شورت، ۱۳۸۸).

به عنوان نتیجه‌گیری از مفهوم رژیم‌های شهری می‌توان

به تعریف و شاخص‌های «موسبرگر» و «استوکر» (۲۰۰۱) استناد کرد. آنها معتقدند که رژیم‌های شهری، ائتلاف‌هایی بر مبنای شبکه‌های غیر رسمی و روابط رسمی می‌باشد که عمده‌ترین شاخص‌های آن عبارتند از: شراکت‌کنندگان از منابع دولتی و غیردولتی اند و به مشارکت بخش تجاری نیازمندند؛ مشارکت آنها بر مبنای تولید اجتماعی است، به این معنا که برای اجرای امور هماهنگ نمودن گروه‌های مختلف و مجزا از هم ضرورت دارد؛ الگوی ائتلاف بر پیروی از هماهنگی‌های بلندمدت و نه کوتاه مدت قرار دارد (and Stoker, 2001) Mossberger).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

به عنوان نتیجه می‌توان گفت جهانی شدن منجر به تشدید یکپارچگی و در همتندگی، افزایش حجم مرادوات، فرا سرزمینی شدن نیازها و اثرگذاری، همگرایی هر چه بیشتر فرهنگ، اقتصاد و زیرساخت‌های جهانی، چند فرهنگ‌گرایی، جهان وطن‌گرایی، دموکراسی و اهمیت یافتن روزافزون حقوق بشر شده است. گرچه جهانی شدن موجب افزایش ثروت شده، اما سازوکارهای مطلوبی برای باز توزیع مزایا در بین کشورها فراهم نساخته است؛ به گونه‌ای که میزان سرمایه‌گذاری، کالا، سیاست‌گذاری، اشتغال و فناوری‌ها به طور ناهمسان و نامتوازنی در مناطق مختلف جهان توزیع شده‌اند. نمود جهانی این مساله در شهرها به صورت استقرار شرکت‌های چند ملیتی و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها، در تعداد معدودی از شهرها، تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری، افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، شکل‌گیری اجتماعات دروازه دار، افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه بوده است. در این میان، شهرهای جهانی را می‌توان آئینه تمام‌نمای جهانی شدن دانست، که به مرکز کنترل و فرماندهی، انباشت تجارت، سرمایه، موسسات و سازمان‌های مالی، شرکت‌های متعدد، سازمان‌های غیردولتی (NGO)، نخبگان، مرکز توزیع دانش و اطلاعات، خدمات حرفه‌ای پیشرفته، مراکز بانکداری

تجاری، بانکداری سرمایه، بیمه و خدمات مالی، مراکز اصناف و اتحادیه‌ها و شرکت‌های بزرگ، مهاجران، تنوع فرهنگی‌های مختلف، مکان برگزاری موسیقی، فستیوال‌ها و رویدادهای ورزشی و هنری تبدیل شده‌اند. در این راستا، سه راهبرد عمده در دست‌یابی به جایگاه شهر جهانی مشتمل بر انگیزه‌های مالیاتی، اجرای پروژه‌های بزرگ مقیاس نظیر نوسازی بافت‌های فرسوده و نابسامان شهری و گسترش چند فرهنگ‌گرایی، تنوع و تسامح و تساهل فرهنگی مطرح شده است. افزون بر این، جهانی شدن باعث تغییرات بسیار زیادی در شهرها و رژیم‌های شهری شده است؛ به این معنا که ساختار شهرها همچون مناطق سیاسی تغییر پیدا کرده است. تعهد به رفاه در کشورهای توسعه یافته تضعیف شده است، و عقیده شهرها به عنوان مکانهای زندگی جمعی به وسیله عقیده شهرها به عنوان مکانهای معاملات اقتصادی، به چالش کشیده شده است. حاکمیت شهرکینزی از دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۸۰ به طول کشیده است. دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۸۰ نقطه‌ی اوج شهرکینزی بوده، چراکه در این دوره بین سرمایه‌وکار در مورد نقش حکومت اتفاق نظر وجود داشته است. بودجه‌ی دولت به نیازهای اساسی زندگی اختصاص یافته؛ به گونه‌ای که مساله بیکاری محدود و کنترل شده است. بودجه‌های دولت برای اجرای برنامه‌ها، اکثریت جمعیت را تحت پوشش خود قرار داده و آنها به تسهیلات بهداشتی به نسبت ارزان، مسکن، آموزش و رفاه اجتماعی دسترسی پیدا کردند که این امر عواقب اجتماعی مربوط به رکود اقتصادی را تعدیل داده است. از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد زوال شهرکینزی شروع شده است. رشد فزاینده‌ی مالیات دولت‌ها و استمرار تورم توأم با رکود اقتصادی که تعادل بودجه‌های دولت را مختل کرده از جمله دلایل موثر در زوال شهرکینزی است. گرچه باید خاطر نشان ساخت مهمترین عامل دخیل در افول شهرکینزی، زوال قدرت نیروی کار سازمان یافته بوده است. فقدان شغل‌های تولیدی و زوال اندازه و اهمیت نیروی کار سازمان یافته نشانگر پیشرفت صاحبان شرکتهای تجاری است. در آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ روایت کلان جدیدی به نام نئولیبرالیسم در جهان سرمایه داری حکمفرما شده، که محدودیت بودجه‌های دولت به ویژه بر روی برنامه‌های

رفاهی، کاهش یارانه‌های اجتماعی، آزادی بازارها، جهانی شدن اقتصادی و تحمیل محدودیت بر روی افزایش مالیات را در صدر برنامه‌های خود قرار داده است. نئولیبرالیسم بر کارآمدی کارآفرینی خصوصی، تجارت و بازار به نسبت آزاد، و به حداکثر رساندن نقش بخش خصوصی در حاکمیت سیاسی و اقتصادی می‌باشد. ماحصل نئولیبرالیسم پیدایش شهرکارآفرین بوده است. شهرکارآفرین بر کسب هرچه بیشتر سود، تجارت و خصوصی سازی نهادها و موسسات تاکید دارد. کاهش فضاهای عمومی، نیمه عمومی و نیمه خصوصی؛ جدایی‌گزینی اجتماعی و کاهش روابط متقابل و مراودات اجتماعی؛ رقابت روزافزون به منظور رشد اقتصادی و کاهش هزینه‌ها؛ از بین رفتن امنیت و در نتیجه پیدایش اجتماعات دروازه دار از عمده‌ترین پیامدهای شهرکارآفرین بوده است. در مورد اینکه ذینفع اصلی شهرکارآفرین چه کسی است، عده‌ای از اندیشمندان بر این باورند که همه مردم از رشد اقتصادی آن سود می‌برند و عده‌ای دیگر نیز رشد اقتصادی را به معنای سعادت و رفاه عمومی نمی‌دانند.

منابع

۱. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰) بررسی گفتمان‌های غالب در بحث جهانی شدن، نامه علوم اجتماعی، شماره بیست و هفت، صص ۱۵۷-۱۷۹.
۲. حافظ نیا، محمد رضا؛ کاویانی راد، مراد؛ کریمی پور، یدالله؛ طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۵) تاثیر جهانی شدن بر هویت محلی (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۱-۲۱.
۳. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰) جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
۴. شورت، جان رنه (۱۳۸۰) نظریه شهری ارزیابی انتقادی، ترجمه دکتر کرامت الله زیاری و حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. صرافی، مظفر و محمدی، علیرضا (۱۳۸۹) الزامات مدیریت مناطق کلانشهری در فرآیند جهانی شدن با تاکید بر منطقه کلانشهر تهران، چاپ در اولین کنفرانس



- (ed.) A J Scott. Oxford University Press, Oxford.
19. Short, J. R. and Kim, Y.-H, (1999) *Globalization and the City*, London: Longman.
20. Stone, C. N. (1998) *Regime politics: Governing Atlanta, 1946-1988*. Lawrence, KS: University Press of Kansas.
21. Stone, Clarence N. (2005) "Looking back to look forward; reflections on urban regime analysis," *Urban Affairs Review*, 40(3), pp. 309-341
22. Valiyev and Savith, (2010), *Globalization*, in *urban studies*, Ed, Ray Hutchison, SAGE Publications, university of Wisconsin
23. Zhao, Simon X.B, Chan, Roger C.K, Sit, Kelvin T.O, (2003), *Globalization and the dominance of large cities in contemporary China*, *Cities*, Vol. 20, No. 4, p. 265-278.
- بین المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار، تهران.
۶. عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید (۱۳۸۳) *زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن*، *مجله پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۶۶.
۷. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) *عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه‌ای؛ جلد اول*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
۸. کیم، یون هیوم، شورت جان رنه (۱۳۸۹) *شهرها و نظام‌های اقتصادی*، مترجم ابوالفضل مشکینی، فریاد پرهیز، علیرضا غلامی و حافظ مهدنژاد، در حال چاپ در انتشارات مرکز مطالعات شهرسازی و معماری، تهران.
۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، نشرنی، تهران.
10. Gottdiener, Mark and Budd, Leslie, (2005), *Key concepts s in urban studies*, Sage Publication: London, ThousandOaks, and New Delhi.
11. Graham, Stephen and Simon Marvin, (2001), *Splintering Urbanism: Networked Infrastructures, Technological Mobilities and the Urban Condition*, London: Routledge.
12. Hall, Peter, (1993) "The changing role of capital cities: six types of capital city," in JohnTaylor, Jean G. Lengellé and Caroline Andrew, Eds, *Capital Cities: International Perspectives*, Ottawa: Carleton University Press, pp. 69-84.
13. Hall, Tim and Phil Hubbard, Eds, (1998), *the Entrepreneurial City: Geographies of Politics, Regime and Representation*, Chichester: John Wiley & Sons.
14. Mossberger, Karen and Gerry Stoker, (2001), "The evolution of urban regime theory: the challenge of conceptualization," *Urban Affairs Review* 36(6), pp. 810-835.
15. Murray, Warwick E., (2006), *Geographies of Globalization*, London: Routledge.
16. Sassen, S. (1991) *the Global City*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
17. Sassen, Saskia, ed., (2000), *Global Networks, Linked Cities*, New York: Routledge.
18. Scott, A J, Agnew, J, Soja, E W and Storper, M (2001) *Globalcity-regions*, In *Global City-Regions: Trends, Theory, Policy*,